

Architects are responsible for a small percentage of construction in our country. Among the few buildings designed by architects with a philosophy for what they do, a fewer are constructed the way they should. It might appear that architects and clients enjoy similar ambitions and are on the same side of the table, so as to speak. As far as I have seen and heard, architects in the other parts of the world, defend their project against contractors, permission-issuing authorities and material providers, hand in hand with their clients. In Iran, the situation is quite the opposite and architects could be sacrificed for the sake of the other three groups. The client, whom should be righteously called a 'customer', usually plays the role of a troublemaker for the architect. Dissatisfied with the architects and blaming them for their problems, the customers usually refer the job to draftsmen who are ready to accept the customer's wishes without reason or specialty mediating this relationship.

Where does the problem lie? If the customer and the architect's goals are not identical but at least in the same line, then the problem should be with the different language or methods each group uses for expressing their opinion. But if the goals are different, we should see whose fault this is. In this issue of *Memar* we have tried to answer these questions.

Contrary to the usual routine of *Memar*, in this issue we have not introduced built projects, domestic or foreign, but rather a number of unconstructed projects. These are projects which were intended to but were not finally constructed, or that were manipulated by the client in the process of their execution. These nearly forty projects are examples of hundreds of projects which will stay on paper forever for similar reasons. Some of these projects are being published for a second time in order to remind reader about the positive effect which the existence of such projects could have had on the urban façade of our cities.

While their discussions with their customers can be challenging for such architects, other market-oriented architects enjoy an excellent relationship with most of their customers. This is why the number of projects done by the latter is tens or hundreds of times more than that of author architects. We have included an exclusive interview with one of market-oriented architects in the current issue of *Memar*.

درصد ناچیزی از ساخت و ساز کشور به دست معماران انجام می‌شود. از اندک کارهایی که به معماران صاحب‌اندیشه ارجاع می‌شود، تعداد بسیار کمتری چنان که باید و شاید به پایان می‌رسند. در ظاهر معمار و کارفرما هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند و به اصطلاح در یک طرف میز هستند. تا آنجا که دیده و شنیده‌ام، در بقیه کشورهای جهان، معماران در کنار کارفرمایان از منافع پروژه در مقابل پیمانکاران، مراجع صدور مجوزهای ساختمان و فروشندگان مصالح دفاع می‌کنند. در ایران وضعیت برعکس است و چه بسا معماران فدای سه گروه دیگر می‌شوند. کارفرما، که بهتر است او را مشتری خطاب کنیم، اغلب در مسیر کار نقش مزاحم را برای معمار ایفا می‌کند. مشتریان نیز ایرادهای زیادی را بر معماران وارد می‌دانند و از این رو گاه به دفاتر نقشه‌کشی که تصورات مشتری را بدون واسطه عقل و تخصص، یک پارچه می‌پذیرند مراجعه می‌کنند.

مشکل چیست؟ اگر هدف مشتری و معمار را، نه یکسان، بلکه در یک راستا بدانیم، مسئله بر سر زبان یا روش‌های متفاوتی است که هر گروه برای بیان نظر خود به کار می‌گیرد. اگر هدف‌ها متضاد هستند، باید دید خطا از طرف کدام گروه است. در این شماره، سعی شده به این پرسش‌ها پاسخ داده شود. همچنین بر خلاف روند متداول معمار، نه پروژه‌های ساخته شده ایرانی و خارجی، بلکه مجموعه‌ای از پروژه‌های ساخته نشده معرفی شده‌اند. پروژه‌هایی که قرار بوده ساخته شوند ولی نشده‌اند، یا اینکه در مسیر ساخت، توسط کارفرما به نحو ناشایستی تغییر یافته‌اند. این مجموعه حدوداً ۴۰ تایی، نمونه‌ای از صدها پروژه‌ای است که به دلایل مشابه برای همیشه روی کاغذ مانده‌اند. هدف ما از چاپ این مجموعه، که بعضی از کارها برای مقایسه مجدداً چاپ می‌شوند، یادآوری این نکته است که وجود چنین پروژه‌هایی چه تأثیر مثبتی می‌توانست در بهبود سیمای محیطی شهرهای ما داشته باشد.

هرچند گفتگوی این معماران با مشتریان چالش‌برانگیز است، عده‌ای دیگر از معماران بازارگرا، ارتباطی عالی با اغلب مشتریان خود برقرار می‌کنند. به همین دلیل کارهای ساخته شده این معماران چند ده، بلکه چند صد برابر طراحان مؤلف است. در این شماره، مصاحبه‌ای اختصاصی با یکی از این معماران هم آمده است.